

رویکردی تطبیقی - تقابلی به دو سفرنامه مرآت الاحوال کرمانشاهی و تحفة العالم شوشتری

امید سپهری*

چکیده

سفرنامه مرآت الاحوال جهان‌نما اثر آقااحمد کرمانشاهی از زمره آثار خوب فارسی پیرامون فرنگ‌شناسی، هندشناسی و استعمار پژوهی است که توسط یکی از اندیشه‌گران ایرانی در سده ۱۲ ه. نوشته شده است.

در این نوشتار ضمن معرفی و تحلیل مطالب مرآت الاحوال به مقایسه آن با یکی از متون هم‌تراز در زمینه آشنایی ایرانیان با تمدن غرب یعنی تحفة العالم عبداللطیف شوشتری مبادرت گردیده است.

با مقایسه سطر به سطر مندرجات این دو متن نگارنده، متوجه همسانی‌های عجیب این دو کتاب شد که ذیلاً به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه: هند، کمپانی هند شرقی انگلیس، دیاسپورای ایرانی، آقااحمد، استعمار جماعت قزلباشیه.

زمینه تاریخی

در آغازین سالهای سده (۱۹ م / ۱۳ ه) پیش از اینکه اروپا برای ایرانیان قابل وصول و سفر به کشورهای غربی معمول و متداول گردد، هندوستان دروازه ایران به اروپا محسوب می‌شد. هر ساله تعداد زیادی از ایرانیان به انگیزه‌های گوناگون به امید یافتن فرصت کار و تجارت و یا برخورداری از موقعیت بهتر راهی هند می‌شدند. به

دلیل حضور گسترده کمپانی هند شرقی انگلیس و فعالیتهای تجاری سایر دول اروپایی در شبه‌قاره هند، نخستین پیوندهای مستقیم و تأثیرگذار ایرانیان با غرب در این سرزمین برقرار گردید. این پیوند جدید به مهاجران ایرانی فرصت داد تا پیشرفت‌های اروپا را از نزدیک مشاهده نمایند و به چند و چون آن آگاه گردند و هم‌وطنان خود را با دستاوردها و عناصر تمدنی نوظهور اروپا و سود و زیانهای ناشی از مراوده با آنان آشنا سازند.

نخستین پیشگامان این عرصه دو تن از دانش‌آموختگان مراکز دینی ایران بودند که هریک پس از دیگری بنا به دلایل خاص خود، قدم بر خاک هندوستان نهادند و حاصل دیده‌ها و شنیده‌ها و مطالعات خود را در قالب دوسفرنامه‌ی ارزنده به رشته تحریر کشیدند. اولین فرد میرعبداللطیف موسوی شوشتری (۱۲۲۱-۱۱۷۲هـ) بود که تحصیلات علوم دینی خود را ناتمام گذاشت و برای تجارت و دبدار یکی از خویشاوندانش و استفاده از موقعیت خوبی که او در دربار نظام حیدرآباد داشت، راه هندوستان را در پیش گرفت. عبداللطیف در هند موقعیت خوبی پیدا کرد و با کارگزاران کمپانی هند شرقی انگلیس در ارتباط نزدیک بود و با توجه به این شرایط مناسب در همانجا کتاب تحفه العالم را درباره‌ی هندوستان و انگلستان و سایر ملل اروپایی نوشت.^۱

دومین نفر آقا احمد کرمانشاهی (۱۲۳۵-۱۱۹۱هـ) فرزند مجتهد پسرآوازه آقا محمدعلی کرمانشاهی و نوه استاد کل وحید بهبهانی و از دوستان نزدیک عبداللطیف شوشتری در هند بود که در سال (۱۲۱۹هـ). «به سبب زیادتی دیون و پریشانی احوال» و نیز برای جلب کمک یکی از متنفذین ایرانی مقیم هند به نام میرعالم بهادر جهت بنا کردن «قلعه مبارکه کربلائی معلی» برای جلوگیری از تهاجم وهابیان عازم هند شد. آقا احمد از سال (۱۲۲۰هـ تا ۱۲۲۵هـ) به مدت ۵ سال در هند اقامت گزید حاصل این سفر کتاب ارزشمند مرآت الاحوال جهان‌نماست که در دو جلد تنظیم شده است.^۲

آثار قلمی برجای مانده از این دو ایرانی در زمره بهترین آثار فارسی پیرامون تمدن غرب و از آغازین نوشته‌هایی به شمار می‌آیند که ایرانیان درباره‌ی ملل مغرب زمین به رشته تحریر کشیده‌اند.^۳

تحفه العالم نخست در ۱۲۶۳هـ. ق در هندوستان به زیور طبع اراسته شد و سپس به سال (۱۳۶۳هـ. ش) چاپ انتقادی بسیار نفیسی از آن در ایران منتشر گردید. این اثر

معروف که تاکنون مورد تجزیه و تحلیل پژوهشگران زیادی قرار گرفته یکی از مآخذ آقا احمد کرمانشاهی و الهام بخش وی در نگارش مرآت الاحوال بوده است.

مرآت الاحوال برخلاف تحفه العالم، تا این اواخر ناشناخته مانده بود و تنها در سال (۱۳۷۵ ه. ش) بود که به کوشش مصحح محترم از حالت نسخه خطی خارج و با توضیحاتی چند در اختیار علاقمندان قرار گرفت. کوشنده محترم، تصحیح این اثر را بر اساس دو نسخه معتبر متعلق به کتابخانه ملی ایران به انجام رسانده است. نسخه نخست به شماره ۱۴۶۶ به خط صفدر علی موسوی که به سال ۱۲۲۵ ه. ق در شهر عظیم آباد هند استنساخ شده و قسمتی از آن ناقص است. نسخه دوم به شماره ۲۸۴۵ توسط کاتبی مجهول و بدون تاریخ نوشته شده ولی نسبتاً کامل است. در یک بررسی تطبیقی که نگارنده به اجمال مابین مطالب بخشهایی از این دو اثر انجام داد به یافته‌های جالب و قابل توجهی دست پیدا کرد که آگاهی از آن بر پژوهندگان و علاقمندان به این قبیل کتب خالی از فایده نیست. اما قبل از ذکر این یافته‌ها به معرفی کتاب و نویسنده مبادرت می‌گردد.

معرفی مؤلف

نویسنده سفرنامه مرآت الاحوال آقا احمد کرمانشاهی (بهبهانی) است که به تصریح خود او به سال (۱۱۹۱ ه) در کرمانشاه متولد شده است.

تحصیلات مقدماتی را در همان شهر فرا گرفته سپس در سال (۱۲۱۰ ه) روانه عتبات عالیات شد و جمعاً به مدت ۵ سال در محضر اساتید و فقهای بزرگی چون علامه بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء در فقه و اصول معلومات خود را تکمیل و به کرمانشاه مراجعت می‌کند.

چندی به سیر و سفر در شهرهای قم و نهاوند پرداخته مجدداً به عتبات می‌رود و در سال (۱۲۱۹ ه) به عزم هندوستان از مسیر کویر مرکزی ایران راهی مشهد شده بعد از زیارت، در همان سال عازم بندرعباس و از طریق قشم و مستقط پس از یک سفر هجده روزه دریایی وارد بمبئی می‌شود.

مؤلف از بمبئی به سایر شهرهای هند سفر کرده و تا سال (۱۲۲۵ ه) که سال اتمام مرآت الاحوال است در آنجا اقامت می‌کند.^۴

سپس در این سال یا یکی دو سال بعد به ایران باز می‌گردد و ده سال بعد به سال

(۱۲۳۵ هـ) در کرمانشاه فوت می‌کند. آقا احمد این اثر را به نام محمدعلی میرزا دولت‌شاه فرزند فتحعلی شاه قاجار تألیف و به او هدیه کرده است.

محتوا و مندرجات کتاب

آقا احمد یادداشتهای خود را هرچند که ترتیب آن واضح صورت نگرفته، در دو مجلد تنظیم کرده است. جلد اول مشتمل بر پنج «مطلب» و یک «خاتمه» است. این جلد در یک نگاه کلی به لحاظ محتوایی از نوع نوشته‌های رجالی و تراجم احوال است و مؤلف شرح تفصیلی خاندان خود را با جزئیات آورده و همچنین به شرح احوال علما و تعدادی از فقهای بزرگ شیعه ایران و عراق که وی محضر برخی از آنان را درک کرده و حتی طی اجازه نامه‌هایی صلاحیت علمی وی مورد تأیید آنان واقع شده، پرداخته است. مفاد «مطلب» اول تا چهارم به ترتیب در بیان مجملی از احوال اولاد و احفاد علامه محمدتقی مجلسی، محمدباقر مجلسی، شیخ محمد صالح مازندرانی و آقا محمدباقر اصفهانی معروف به بهبهانی در طی فصول مختلف می‌باشد. آنچه نویسنده کتاب در مطلب اول تا سوم نگاشته در نوع خود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مأخذ وی در این بخش نوشته میرزا حیدرعلی مجلسی تحت عنوان «انساب خاندان مجلسی» بوده که با اطلاعات افزوده آقا احمد تکمیل شده است.^۵ شرحی هم که در مطلب چهارم از احوال اولاد علامه وحید بهبهانی بدست داده به گفته یکی از پژوهشگران تراجم احوال علما، «کاملاً تازه و منحصر به فرد»^۶ می‌باشد.

«مطلب» پنجم که در سه «مقصد» تنظیم شده است شامل بیوگرافی مفصل مؤلف و شرح مشاهدات عینی او از جامعه هند است. اطلاعاتی که نویسنده در این قسمت از سرزمین هند در اوایل قرن ۱۳ هـ به دست می‌دهد بسیار مغتنم است و بعضی از مطالب آن در باب آداب و رسوم، تاریخ، تقسیمات جغرافیایی، آداب درباری، مسائل مدنی و ... می‌تواند مورد استفاده محققین تاریخ هند قرار گیرد. «مقصد اول» در بیان احوال مؤلف از بدو تولد تا ورود به بمبئی است و درنورده فصل تنظیم شده است. در این قسمت مؤلف ضمن تشریح سیر مراحل زندگی خود به توصیف مختصات زادگاه خود کرمانشاه و شرح مسافرت‌هایی که به شهرهای مختلف ایران و عتبات عالیات در عراق داشته پرداخته است. در یکی از سفرهایی که به همدان داشته به ملاقات محمدعلی میرزا دولت‌شاه که «هدف غایی» نگارش مرآت‌الاحوال بود اشاره می‌کند.

از نکات ارزشمند و جالب توجه در این «مقصد» توصیفات او از وضعیت اجتماعی و گرایشهای مذهبی شهرهای مسیر حرکت وی از قم تا بندرعباس، جریان هم سفر شدنش با شاه خلیل الله کهکی امام و پیشوای اسماعیلیه و تشریح وضعیت مذهبی مسقط به عنوان مرکز خوارج و سیاست تساهل و تسامح مذهبی آنان و آزاد بودن شیعیان در برگزاری مراسم عزاداری امام حسین (ع) در آن شهر است.^۷

«مقصد دوم» در ذکر «احوال مؤلف از بدو ورود به بمبئی تا اوان اتمام رساله مرآت الاحوال» است که در بیست و شش فصل تنظیم شده است.

وجوه ارزش و اهمیت این بخش را می توان در دو مقوله دانست. نخست: در ارائه اطلاعات چشمگیر نویسنده پیرامون روند سلطه و استیلای کمپانی هند شرقی انگلیس بر شئون سیاسی - اقتصادی و فرهنگی بخش وسیعی از هند است. وجه دیگر ارزش مندرجات متن را شاید بتوان از منظر شناسایی پدیده «دیاسپورای ایرانی»^۸ در هند برای تاریخ ایران در سده ۱۲ و ۱۳ ه. و شناخت بر احوال جوامع ایرانی مقیم در شهرهای مختلف شبه قاره هند دانست. زیرا بعد از فروپاشی سلسله صفویه تعداد قابل توجهی از ایرانیان به انگیزه های گوناگون به هند مهاجرت کردند و در نقاط مختلف این کشور ساکن شدند و جوامعی را تشکیل دادند. مرآت الاحوال در باب تاریخ این مجامع ایرانی، موقعیت سیاسی - مذهبی افراد و مؤسسات فرهنگی و اجتماعی متعلق به آنان اطلاعات کم یاب و منحصر به فردی در بردارد. در فصول ۱ و ۲ این مقصد نویسنده به ذکر تقسیمات جغرافیایی و سیاسی و انواع گونه های گیاهی و جانوری مخصوص هند و بیان اقوام ساکن هند اعم از بومی و مهاجر مبادرت کرده است.

مؤلف از ثروتمندی، خودکفایی و امکانات بالقوه این کشور و صادرات کالاهای هندی به اقصی نقاط جهان خیر داده و سپس با ذکر شواهدی از کتاب جهانگیرنامه، وضعیت گذشته هند را با وضعیت فعلی آن که بخش قابل توجه آن در تصرف کمپانی انگلیسی بوده و پادشاه آن موسوم به اکبرشاه، ضعیف و مواجب گیر کمپانی بوده، مقایسه کرده است.

نویسنده در تحلیل نهایی خود، سقوط هند به این وضعیت ذلت بار را ناشی از «معاشرت» و ارتباط با استعمارگران اروپایی و به طور کلی «جماعت نصاری» می داند و هموطنان ایرانی خود را از خطرافتادن در این ورطه هلاکت بیم می دهد و توصیه می کند که

... از سوء عاقبت و فساد مال دوستی و الفت و مصاحبت با این جماعت
مکرطویت اندیشه نموده به نرم زبانی و تملق و چاپلوسی این فرقه فریفته و به
وعده‌های بی‌فروغ این طایفه سراپا حيله شیفته و خورسند نشوند.
زیرا آنان هرگاه اراده تسخیر کشوری را داشته باشد:

اول به اسم سفارت و تجارت در آن رخنه کرده، سرداران و ارکان دولت و
رؤسای آن مملکت را به دادن درم و دینار و اقمشه نفیسه و تحایف‌الطایف و
نرم‌زبانی فریفته کرده بعد از آن به سهولت تمام بر آن مسلط شده‌اند.^۹

آقا احمد در ادامه به ذکر اعیاد و رسوم و عبادات هندیان نظیر رت چاترا، دیوالی،
هولی، رسم ساتی یا سوزاندن زنان بیوه به همراه همسران متوفایشان و برخی اعیاد
مشترک بین هندوها و مسلمانان و چند رسم مذهبی شیعیانه به نامهای روزه مشکل
گشا، نیاز حضرت فاطمه (ع) و حضرت ابوالفضل پرداخته است. از مقایسه سطر به سطر
مفاد اعیاد هندی مندرج در این فصل با مندرجات تحفه‌العالم در همین باره چنین
آشکار می‌شود که احتمالاً آقا احمد این قسمت را با اندکی دخل و تصرف در عبارات از
تحفه‌العالم گرفته باشد (ص ۳۸۲-۳۷۵).

فصل ۳ کتاب به عادات معمول در هند مانند نحوه داد و ستد، تقسیم ساعات
شبانه‌روز، چگونگی ارسال مراسلات، انواع مراکب سواری و وسائط نقلیه، مراحل
مختلف عروسی در نزد هندوها، انواع القاب و عناوین و سلسله مراتب آنها و وضعیت
سیاسی، اجتماعی و نقد معتقدات مذهبی برخی از مسلمانان شهر لکهنو پرداخته است.

فصل ۴ به ذکر احوال سرزمین پیگو (برمه) و وضعیت سیاسی و اجتماعی آن
اختصاص یافته است، مفاد این فصل با مختصر جابه‌جایی در عبارات تکرار مطالب
تحفه‌العالم است (ص ۳۸۶-۳۸۳).

فصول ۵ و ۶ به ورود نویسنده به شهرهای بمبئی و حیدرآباد اختصاص یافته است.
مؤلف نخست به توضیح وجه تسمیه و توصیف موقعیت جغرافیایی شهر بمبئی پرداخته
و آبادانی آن را مدیون حضور «جماعت انگریزیه» در آنجا می‌داند. سپس در فصل
بعدی به ذکر وضعیت جغرافیایی و پیشینه تاریخی و چگونگی رخنه و سلطه
استعمارگران انگلیسی در حیدرآباد پرداخته است. مؤلف در این شهر، میرعبداللطیف
شوشتری مؤلف تحفه‌العالم را در آخرین ماههای حیاتش ملاقات کرده و به دیدار
میرعالم بهادر شتافته و این مرد متنفذ و متمول را به پرداخت هزینه‌های ساخت و تعمیر

قلاع کربلا و نجف که علت اصلی سفر نویسنده به هند بوده متقاعد می‌نماید. این فصل که حاصل مشاهدات شخصی نویسنده است از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار می‌باشد. زیرا در این نقطه یک اقلیت متمول و صاحب نفوذ ایرانی مهاجر که نویسنده مکرراً از آنان به عنوان «جماعت قزلباشیه» یاد کرده سکونت داشتند. مؤلف با توصیف وضعیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و آرایه فهرستی از مؤسسات اجتماعی آنان نظیر گورستان ویژه شیعیان موسوم به «دایره میر» تکایا و مساجد و اعتقادات عامه درباره نعل صاحب و کوه مولی و... مطالب بدیعی در باب جامعه ایرانی ساکن در حیدرآباد آرایه می‌دهد.

فصل ۷ به بهانه ورود محمدنبی خان سفیر ایران به بمبئی به ذکر پیشینه تاریخی روابط ایران و انگلیس و سفارت سرجان ملکم و توصیف دربار فتحعلیشاه قاجار از دید ملکم اختصاص یافته است.

فصول ۸ و ۹ و ۱۰ به ذکر خروج نویسنده از حیدرآباد و عبور از مچحلی بندر و ورود به کلکته اختصاص یافته است. از نکات جالب فصول ۸ و ۹ ارزیابی نویسنده از وضعیت جامعه ایرانی مقیم مچحلی بندر است که وی آنان را «به خلاف اهالی جزیره بمبئی که همه دشمن و خونخوار و در پی شکست بازار یکدیگرند» متحد و یکپارچه دیده است. در فصل ۱۰ مؤلف نخست به توصیف کلکته و اطراف آن پرداخته که تماماً مشابه مطالب کتاب دوستش عبداللطیف شوشتری است (ص ۳۵۶-۳۵۴). توصیفی که آقامحمد درباره قلعه انگلیسی‌ها در کلکته موسوم به ویلیام فورت براساس «شنیده‌های» خود آرایه داده، واژه به واژه مشاهدات شخصی و عینی میرعبداللطیف مسطور در تحفه‌العالم می‌باشد که روزی بنا به اصرار دوسه تن از دوستان انگلیسی‌اش به داخل آن قلعه رفته بود (ص ۵۶-۳۵۵). آقااحمد به خاطر «بدی آب و هوا و کثرت پشه و صدای ناقوس» و مناسب نبودن وضعیت پوشش زنان شهر کلکته بیش از نه روز در این شهر اقامت نمی‌کند. بنابراین هیچ اطلاعی درباره سایر اختصاصات شهر و به خصوص جامعه ایرانی مقیم کلکته که از مهمترین جوامع ایرانی در شبه‌قاره محسوب می‌شدند آرایه نمی‌دهد.

فصول ۱۱ و ۱۲ به توصیف شهرهای سر راه مؤلف، نظیر سیرام‌پور و مرشدآباد اختصاص یافته است. ظاهراً آقااحمد از جماعت مقیم ایرانی مرشدآباد خوشش نیامده زیرا یک صفحه در مذمت اهالی این شهر قلم‌فرسایی کرده است. از نکات جالب توجه

این فصل اشاره مؤلف به دخالت‌های دو تن از زنان مقتدر به نامهای بیویگم و منی بیگم مادر و همسر جعفر علیخان در اداره امور مرشدآباد و انتقاد از وضعیت مذهبی و سطح معلومات علمای این شهر و ایستادگی مؤلف در برابر کارشکنی‌های آنان است.

در ادامه مؤلف به تشریح مذهب اختراعی خفشانی که توسط یک ایرانی به وجود آمده بود به نقل از ثقات و کتاب سیرالمتأخرین پرداخته که مطلب تازه‌ای در بر ندارد و مفاد آن عیناً مشابه مطلب تحفه‌العالم است (ص ۴۰۰ - ۳۹۶). با توجه به ذکر مآخذ از سوی نویسنده مرآت‌الاحوال، یقیناً هر دو این مطلب را از سیرالمتأخرین گرفته‌اند.

فصول ۱۳، ۱۴، ۱۵ به جریان ورود مؤلف به شهر عظیم آباد و توصیف شهرهای سر راه مثل راج محل و قصبه شہسرای اختصاص یافته که ظاهراً برگرفته از مسندرجات تحفه‌العالم است (ص ۴۰۹ - ۴۰۵). از نکات قابل ذکر این قسمت ملاقات نویسنده با جمعی از ایرانیان صاحب منصب و ثروتمند عظیم آباد است.

فصول ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ به چگونگی ورود مؤلف به شهرهای بنارس، فیض آباد و لکهنو اختصاص یافته است. مؤلف نخست به توصیف اختصاصات جغرافیایی و تاریخی بنارس پرداخته که کاملاً مشابه مطالب تحفه‌العالم است (ص ۴۱۰ - ۴۱۲). (البته با افزودن برخی مشاهدات شخصی خود). در فیض آباد از ملاقات تعداد زیادی از صاحب منصبان ایرانی تبار خبر می‌دهد.

در مبحث لکهنو وی ابتدا به تشریح وضعیت جغرافیایی شهر که مطابق نوشته‌های تحفه‌العالم است پرداخته است (ص ۲۲ - ۴۲۱).

از نکات جالب فصل اخیر، توصیف یکی از مؤسسات مذهبی شیعیان لکهنو به نام تعزیه خانه و مسجد آصفیه و چگونگی پیوند امرای ایرانی تبار این شهر با مقامات کمپانی و ذکر دخالت‌های آنان در این منطقه است.

در فصل ۲۰ نویسنده به چگونگی نحوه واگذاری بخشهای تحت تصرف هندوها به کمپانی هند شرقی که به برقراری سلطه انگلیسی‌ها انجامید اشاره می‌کند. اطلاعات او در این زمینه دست اول است.

فصول ۲۱، ۲۲، ۲۳ به ورود مؤلف به شهرهای فیض آباد و عظیم آباد و مرشدآباد اختصاص یافته است. در فیض آباد مؤلف از توطئه ناکام رقبای خود در مسموم ساختن او و همراهانش و دستگیری برخی از توطئه‌گران و ارسال نامه‌های سرپا توهین و تهدید برای مؤلف از سوی رقبای، سخن به میان می‌آورد. از مطالب قابل توجه در این

فصل در چارچوب رقابت علمای این شهر، متن بسیار جالبی موسوم به «عنایت نامه» است که آقا احمد در تکذیب ادعای مخالفین در باب اعتقاداتش آورده که فوق العاده مهم است.

از نکات ارزنده فصول ۲۲ و ۲۳ معرفی و ذکر سطح دانش چندتن از کارگزاران کمپانی انگلیس است که مؤلف با آنان حشر و نشر داشته و سجع مهر «گورنر لارد میتو» حاکم انگلیسی مرشدآباد است که متن آن از جهت اطلاع بر سیاست «عجز و انکسار» کمپانی در پیشبرد اهداف خود و اطاعت ظاهری آنان از پادشاه ضعیف دهلی بسیار مفید است.^{۱۱}

فصول ۲۴، ۲۵ حاوی اطلاعاتی پیرامون ورود و خروج مؤلف از شهر جهانگیر نگر است. از نکات جالب این فصول، دیدار مؤلف با چندتن از صاحب منصبان ایرانی این شهر و اشاره مؤلف به عزاداری مردم در تعزیه خانه آن شهر موسوم به «حسینی دالان» است.

فصل ۲۶ به ورود مؤلف به عظیم آباد اختصاص یافته است. در این شهر مؤلف به تدریس علوم شرعیه مشغول و با استناد به سیاست آزادی مذهبی انگلیسی ها اولین نماز جمعه شیعیان را در عظیم آباد به «طریقه امامیه» اقامه کرده و سپس به چگونگی برپایی عزاداری عاشورای سال ۱۲۲۵ و کیفیت آن در این شهر پرداخته است. از نکات قابل تأمل این فصل، صدور فتوا از سوی مؤلف مبنی بر ممنوعیت نواختن دهل و نی و آلات موسیقی به هنگام سینه زنی است که مورد قبول عده ای و رد برخی دیگر قرار می گیرد. هم چنین ذهنیات منفی مردم درباره ملامحسن فیض کاشانی و آخوند مجلسی و فتوای مضحک صادره از سوی یکی از علمای بی دانش این شهر است.^{۱۱}

خاتمه به فهرست تألیفات هجده گانه نویسنده و صورت اجازه نامه های چندتن از علمای بزرگ به نام مؤلف اختصاص یافته است.

مقصد سیم که در حقیقت جلد دوم مرآت الاحوال محسوب می شود حاوی شنیده ها، مشاهدات عینی و مطالعات نویسنده پیرامون تاریخ عمومی جهان و وضعیت سیاسی دول اروپایی، آفریقایی، آمریکایی و به ویژه جامعه انگلستان است. منابع و مآخذ وی در این مقصد، کتابهای تاریخ و سفرنامه حزین لاهیجی، تحفه العالم شوشتری و مسیر طالبی ابوطالب اصفهانی بوده است.

باتوجه به مقایسه تطبیقی سطر به سطر صورت گرفته آشکار می شود که حدود دو

سوم مطالب مرآت الاحوال در این مقصد بازنویسی و برداشتی آزاد از مطالب تحفه العالم است و آقا احمد به پس و پیش ساختن مباحث و جابه‌جایی عبارات و احياناً تغییر نثر پرداخته است. اما قبل از چند و چون بیشتر در این باب جهت پرهیز از پیشداوری شتاب آلود به نقل مباحث مطروحه این مجلد مبادرت می‌گردد.

مقصد سوم دارای یک مقدمه، سه مقام و یک خاتمه است. مقدمه در دو فصل تنظیم شده است. فصل نخست در مورد تقسیمات جغرافیایی جهان و چگونگی شکل‌گیری قاره‌ها و دریاها و جزایر بر اساس آرا علما یونانی و مجملی از وضعیت سرزمین چین است. فصل دوم در مورد پیمانهای سلاطین اروپا درباره حفظ موازنه قدرت در اروپا و متصرفات ماوراء بحار و کلیاتی پراکنده درباره شکل حکومت و طریقه تقسیم ارث در بین اروپاییان است. مطالب این دو فصل با کمی جابجایی عبارات مطابق با مندرجات تحفه العالم است (ص ۲۷۵-۲۳۹).

مقام اول، در بیان کشورهای مختلف اروپایی و میزان قدرت و اهمیت هر کدام می‌باشد. مؤلف طی فصول ۱ تا ۸ این مقام به معرفی کشورهای آلمان، هنگری، اسپانیا، پرتغال، فرانسه، هلند، لهستان، سوئد، دانمارک و هم چنین کشور نیمه اروپایی روسیه پرداخته که قطع نظر از بروز پاره‌ای تقدم و تأخر در عبارات تماماً مشابه مندرجات تحفه العالم است (ص ۳۹-۳۳۲، ۵۸-۲۵۷). با این استثنا که تحفه العالم فاقد مطلبی در مورد سوئد است و اطلاعات آن پیرامون روسیه با کمی اضافات درباره تاریخچه جنگهای ایران و روس همراه است.

فصول ۹، ۱۰ و ۱۱ به تشریح موقعیت جغرافیایی و تاریخی هلند (ولندیز) و سوییس (سوئیتزرلاند) و دربار واتیکان اختصاص یافته است. مطالب هلند و واتیکان و مباحث مربوط به رفورم در اروپا عیناً مشابه مفاد (۵۵-۲۵۱، ۳۳۵) تحفه العالم است. اما مطالب مطروحه درباره سوئد در تحفه العالم موجود نیست زیرا عبداللطیف از ذکر این کشور و چند کشور دیگر اروپایی به خاطر جلوگیری از حجیم شدن کتاب خودداری ورزیده است. این کاستیهای تحفه العالم و افزودگیهای مرآت الاحوال این احتمال را پیش روی ما می‌گذارد که آقا احمد در این فصل به مأخذ دیگری که می‌تواند منبع مشترک این دو اثر باشد دسترسی داشته است.

فصل ۱۲ به توضیح کوتاهی درباره حدود جغرافیایی و اسامی کشورهای قاره آفریقا اختصاص یافته که اساساً تحفه العالم فاقد این مبحث است.

مقام دوم در بیان وضعیت قاره آمریکا یا به تعبیر آقا احمد «امرقه یعنی دنیای تازه» است که ضمن در برداشتن همه مطالب تحفه العالم در این باب (ص ۳۳-۳۲۹) حاوی مطالب تفصیلی درباره چگونگی کشف، مراحل و کاشفین قاره آمریکا و کیفیت سطح مدنی و فرهنگی تمدنهای بومی این قاره در مکزیک و پرو می باشد که از مطالب دست اول و سبب امتیاز این اثر بر تحفه العالم و سایر متون مشابه است.^{۱۲}

از نکات جالب این مبحث تشریح و چگونگی کسب استقلال آمریکا توسط انگلیسی های مقیم آنجاست و تعجب آقا احمد از این مطلب که چرا انگلیسی های مقیم هند چنین استقلالی را نمی خواهند!^{۱۳}

در این مبحث وقتی از مومیائی بومیان آمریکا و مقایسه آن با مومیائیهای مصر سخن به میان می آید، نویسنده مطالب خود را بدون ذکر مأخذ از تحفه العالم گرفته است. و حتی مطالبی را که عبداللطیف شوشتری به مشاهده شخصی خود درباره یک بازوی مومیایی شده در نزد یک هندی مسلمان دیده (ص ۳۳۱) بدون ذکر مأخذ و باقید «عزیزی می گفت که...» سطر به سطر نقل کرده است. منقولات مؤلف از مشاهدات عینی یک هندی درباره اهرام مصر و نحوه صعود وی بر روی یکی از اهرام نیز از زمره همین مقوله یعنی نقل مکتوبات به عنوان مسموعات است.^{۱۴}

مقام سیم درباره «شرح احوال جماعت انگریز و حقیقت احوال کمپنی» است که چون نویسنده هدف اصلی از نگارش کتاب را شرح احوال «این جماعت» می دانسته مفصلاً به ذکر آنان پرداخته است.

فصول ۱، ۲، ۳ این مقام به ذکر تاریخچه سیاسی انگلستان از آغاز تا سال ۱۷۶۰ م و تقسیمات جغرافیایی انگلیس پرداخته و سپس به ذکر «طریقه سلطنت و قوانین حکومت» انگلستان مبادرت کرده است.

از مطالب مندرج در فصل ۳ موضوع «یکسان بودن اعظام و ارادل انگلیس» در برابر قانون است که برگرفته از مندرجات (ص ۴۶۱) تحفه العالم می باشد. آنجا هم که آقا احمد می نویسد: «تا به حال نشنیدم که از صاحبکاران قوم انگریز کسی داخل ارادل باشد بلکه هر که از جهاز به ساحل هندوستان فرود آمد از صاحبان عیالشان بود» بازگویی اظهار نظرهای عبداللطیف شوشتری (ص ۳۶۲) درباره فرهیخته بودن کارگزاران کمپانی انگلیس در هند است.

فصل های ۴، ۵ به ذکر «احوال کمپنی انگریز» و فعالیتهای استعماری آنان در هند

اختصاص یافته است. مطالب این فصول بسیار مفصل تر از مطالب تحفه العالم (ص ۲۸۶) در این باب است و یکی از منابع وی که بدان تصریح دارد کتاب مسير طالبی فی بلاد افرنجی است. نویسنده در این مبحث از انحصار فروش تریاک و شوره و نمک برای انگلیسی ها که احدی «سوی کمپانی» مجاز به داد و ستد آن نبوده خبر می دهد.

فصل ۶ به تشریح نظام قضایی انگلستان در هند اختصاص یافته که تقریباً مشابه مطالب (ص ۲۷۵) تحفه العالم است. با این تفاوت که مرآت الاحوال مطالب دیگری نیز دربردارد. به خصوص برخی انتقادات و ایرادات به جای مؤلف بر نحوه دادرسی در نظام دادگستری انگلیس که نشانگر دقت نظر نویسنده است.

از نکات قابل تأمل این فصل اشاره نویسنده به اعطای مصونیت قضایی (کاپیتولاسیون) به انگلیسی های مقیم هند است.

فصل ۷ پیرامون «طریقه سپاهداری و لشکرکشی قوم نصاری خاصه جماعت انگریز» می باشد که با کمی جابه جایی بازنویسی مطالب (۳۲۹-۳۱۶) تحفه العالم است. القاب و عناوین و رتبه های نظامی سپاهیان و سرداران و تحلیل نهایی مؤلف درباره برتری نظم و انضباط توأم با مکر و فریب انگلستان در هند بر هرج و مرج شرقی، عیناً تکرار اظهار نظرهای عبداللطیف شوشتری است.

فصل ۸ درباره قوانین مقرر از سوی کمپانی در مورد عدم تحمیل مخارج سپاه بر رعایا و توصیه مؤلف به پادشاه ایران برای رعایت این مقررات که باعث عدل می گردد، است. مؤلف در فصل ۹ تحت عنوان «طریقه معیشت این فرقه» به ذکر جزئیاتی درباره نحوه غذا خوردن روی میز و اهمیت وقت در نزد انگلیسی ها پرداخته است.

تمام مباحث مطروحه این فصل از قبیل طریقه ازدواج، احوال اطباء، وضع سود و زیان، مسائل بیمه، چاپ، گمرک و غیره بازنویسی مطالب (ص ۹۳-۲۶۲) تحفه العالم است. از مطالب دست اول و بدیع مرآت الاحوال در این فصل ذکر حمایت مالی انگلیس از چاپ خاطرات عجیب و غریب افرادیست که به جاهای دور دست و سرزمینهای ناشناخته سفر کرده اند و توصیف مدرسه کلکنه است که تحفه العالم اساساً فاقد اینگونه مطالب است.

خاتمه در بیان نصایحی چند در معنی عدالت و فواید آن است.

همسانیه و اقتباس مرآت الاحوال از تحفه العالم مدلل می دارد که بایستی به اصالت برخی از مطالب مرآت الاحوال و ارزش استنادی تحلیلهای آقا احمد پیرامون

غرب و استعمار انگلیس با دیده تردید نگریست و در نقل قول از مفاد مقصد سوم کتاب محتاطانه عمل کرد.

کاستیهای متن چاپی

مرآت الاحوال سالها پس از چاپ انتقادی تحفه العالم و به همت مصحح محترم در سال ۱۳۷۵ به زیور طبع آراسته شده است. لذا نسبت به آن کتاب و سایر متون هم تراز دارای کاستیهایی است که چاره‌ای از ذکر آنها نیست و امید است در چاپ‌های بعدی رفع شود.

۱. عدم ارایه مشخصات کامل نسخ خطی پنجگانه مرآت الاحوال، آن گونه که مرسوم مصححان است.

۲. عدم ارایه دلائل مصحح برای ارجحیت نسخه اساس و نشان ندادن ناهمسانیهای نسخه بدلها در ذیل صفحات مربوطه.

۳. اختصاص نیافتن صفحاتی به عنوان فرهنگ واژگان و عدم توضیح لغات دشوار و اصطلاحات تازه.

۴. نامربوط بودن توضیحات مصحح در باب برخی مسائل از جمله رسم ساتی که مصحح محترم بدون توجه به صراحت مطالب آقا احمد، ساتی را با ستی (بانو) اشتباه گرفته‌اند.

۵. فقدان یک نقشه از جغرافیای ایران و هند جهت ترسیم خط سیر مؤلف و نشان دادن موقعیت جغرافیایی و فاصله شهرهای سر راه مؤلف چه در ایران چه در هند.

نکته آخر اینکه جا داشت مصحح محترم از یکی از تواریخ عمومی اروپا در پیرایش جلد دوم به ویژه بخش مربوط به دولتهای اروپایی و آمریکایی استفاده می‌کردند، زیرا می‌توانست در قرائت و ضبط برخی اسامی خاص و اماکن جغرافیایی بسیار نافع باشد.

سخن پایانی

اینکه هدف از این تدقیقات پیرامون مرآت الاحوال و مقایسه آن با تحفه العالم نه از باب تخریب و تهی نشان دادن این اثر از ارزش و اهمیت است و نه به خاطر متهم ساختن نویسنده به انتحال، بلکه مقصود، نشان دادن اصالت مطالب و تعیین میزان ارزش استنادی هر مطلب و درجه تأثیر پذیری آقا احمد از عبداللطیف شوشتری بوده و

نگارنده نه به قصد اضرار بل ارشاد این چند سطر را قلمی نمود تا مراجعان به این تألیف ارزنده ضمن مطالعه مباحث بدیع و منحصر به فرد مؤلف، در استفاده از برخی مطالب آن دچار لغزش نشوند.

در پایان مطالعه این اثر به علاقه‌مندان مباحث استعمار و شبه‌قاره هند توصیه می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱. شوشتری، میرعبداللطیف، تحفه‌العالم و ذیل‌التحفه، به اهتمام صمد موحد، تهران، انتشارات طهموری، ۱۳۶۳ ش، ص ۳۱.
۲. کرمانشاهی، آقااحمد، مرآت الاحوال جهان نما، به تصحیح علی دوانی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۷۵، این اثر هم چنین در دو مجلد جداگانه از سوی مصحح یا مصححان ناشناخته‌ای توسط انتشارات مؤسسه علامه مجد و حیدر بهبهانی منتشر شده است.
۳. حائری عبدالهادی، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بوژوازی غرب، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷، ص ۳۰۰، نیز رک: حائری، عبدالهادی، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه‌گران، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴، ص ۱۳۲-۱۲۸، ۱۲۴-۱۲۳.
۴. کرمانشاهی، آقااحمد، مرآت الاحوال، ص ۱۷۹.
۵. همان، ص ۴۶.
۶. همان، ص ۲۳ (مقدمه مصحح).
۷. همان، ص ۷۷-۱۷۴.
۸. دیاسپورا (diaspora) واژه یونانی است که منظور از آن مهاجرت جمعیت و ایجاد سکونتگاه‌های جدید اما مرتبط با سرزمین اصلی است. رک: خیراندیش، عبدالرسول، «تحقیق در وجوه دیاسپورای فرهنگ و تاریخ ایرانیان»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال پنجم، شماره ۵۴-۵۵ فروردین و اردیبهشت ماه ۸۱ ص ۳.
۹. کرمانشاهی، آقای احمد، مرآت الاحوال، ص ۱۹۹.
۱۰. اعتصام‌الدین جونپوری، شگرف‌نامه ولایت، نسخه دستنویس فارسی، کتابخانه بریتانیا، بخش شرقی، شماره ۲۰۰، ورق ۱۱۸ مقایسه شود با کرمانشاهی، احمد آقا، مرآت الاحوال، ص ۴۶۶.
۱۱. کرمانشاهی، آقااحمد، مرآت الاحوال، ص ۸۰-۳۷۵.
۱۲. مقایسه شود با، شگرف‌نامه ولایت، ورق ۵۹۹ب-۹۶ مرآت الاحوال، ص ۴۰-۴۳۱؛ تحفه‌العالم، ص ۳۲۲-۳۲۹.
۱۳. کرمانشاهی، آقااحمد، مرآت الاحوال، ص ۴۳۶.
۱۴. همان، ص ۴۲-۴۴۱.